

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵) تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" می‌توانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریع‌تر آورده شده است. خوشحال می‌شویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰ ، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

\*- صوت ۱۲۸ اختلاف الامر و النهی بالاطلاق و التقييد

\*- خصوصیت اولی که فرمودند ما این خصوصیت را فرض کنیم که ببینیم که این امتناع زایل میشود یا خیر؟

گفتن بگوئیم یک امر به یک جامع داریم و یک نهی از یکی فردی از افراد جامع داریم و با این تفکیک، بخش تکلیف بالمحال از بین می‌رود. ولی شهید میگوید اشکال تکلیف محال که در مرحله مبادی است از بین نمی‌رود.

۲۸۸/۳ **وإنما المهمّ تحقيق حال السبب الأول للتنافی** : پس مهم این که ببینیم اشکال تکلیف محال که در مرحله

مبادی است از بین می‌رود یا خیر؟ برخی گفتند از بین می‌رود و برخی گفتن از بین نمی‌رود.

۲۸۸/۴ **لأنّ وجوب الجامع يسرى ولو بمبادئه إلى الحصص** : کسانی که گفتند از بین می‌رود اینطوری که بگوئیم این

مبادی ناظر به جامع و کلی اند و سرایت به حصه نمی‌کنند. امر به صلاۀ خورده و در کلی صلاۀ باقی میماند و نهی هم به یک حصه خاص خورده و اینها ربطی ندارند. امر به یکجا و نهی به جای دیگری خورده است. در واقع این گروه این مبنا را قبول داشتند که حکم از جامع به حصص سرایت پیدا نمی‌کند.

۲۸۸/۵ **ولو بلحاظ عالم المبادئ** : شهید صدر میگوید ولی اگر شما قائل شدید حکم از جامع به حصص سرایت پیدا

میکند - قبلاً شهید در بحث التخییر فی الواجب در تخییر عقلی، اتجاه سوم را قبول کرد و دارد در اینجا با آن اتجاه پیش می‌رود. متن صوت ۱۲۰؛ -

شهید صدر میگوید اینجا باید بحث شود که اگر شما قائل شدید که تخییر عقلی دربرگیرنده تخییر شرعی و وجوبات مشروطه نسبت به حصص است این یک حالت میشود. - البته اینکه بگوئیم تخییر عقلی دربرگیرنده ی وجوبات مشروطه این در عالم جعل می‌رود و لزوم اینکه جعل به حصص اون جامع هم رسیده باشد که شهید در قبلاً گفت اینکه بگوئیم جعل سرایت کرده سخت است ولی می‌توانیم بگوئیم حب سرایت پیدا کرده و کار خودمان را راحت کنیم. -

اگر بگوییم این محبویت به حصه سرایت میکند هر چند که خود جعل سرایت نکرده ولی محبویت به حصه سرایت کرده است در اینحالت نمیتواند بگوید امر به یک چیزی تعلق گرفته و نهی به چیز دیگری. زیرا امر سراغ حصه خاص آمده و نهی هم سراغ حصه خاص آمده است. - حتی بالاتر شهید میگوید اگر اون حصه محبوب بود ولو محبویتش هر چند به حد وجوب نبود ولی دیگر نمی شود این حصه مشمول مکروه یا بغض شود.

\*- ۲۸۸/۶: شهید صدر میگوید، از طرفی برای رد این خصوصیت الاولى مکتب محقق نائینی برهانی آورده است که اینجا در بحث اطلاق و تقیید، و مکتب نائینی خواسته اند بگویند که اجتماع امر و نهی محال است حتی اگر قائل به نظریه استبطان نباشیم؛ یعنی حتی نگوییم تخیر عقلی دربرگیرنده تخیر شرعی و وجوبات مشروطه نسبت به حصص است. بدون این هم امتناع داریم برای اجتماع امر و نهی.

محقق نائینی میگوید صلّ مطلق است در هر جایی میتوانی نماز بخوانی. اینجا در حقیقت تنافی میان امر و نهی نیست بلکه نهی با اطلاق امر تنافی پیدا کرده است چگونه؟ اطلاق یعنی لحاظ عدم القید، لحاظ عدم القید یعنی ترخیص و اباحه که تو مکلف اون کلی و جامع را تطبیق کنی بر هر یک از این حصص یعنی هر جا دلت خواست فی البیت، فی السمجد و ... نماز را بخوانی. از یک طرف شارع ترخیص ارائه کرده و از یک طرف نهی و تقیید بیان کرده و اینها تنافی دارند.

\*- ۲۸۹/۱ والفرق بین إثبات التنافی بطریقه المیرزا هذه: نظر مرحوم نائینی در حقیقت جایی به درد میخورد که اون نهی نهی الزامی باشد زیرا ترخیص با کراهت قابل جمع است. میشود چیزی اباحه با دو حکم الزامی وجوب و حرمت قابل جمع نیست ولی با مکروه و مستحب قابل جمع است.

- نکته: منظور شهید از مکتب محقق نائینی منظورشان آقای نائینی و خوئی است زیرا برخی را در بحث های نائینی نمیبیند ولی آقای خوئی گفته است.

\*- ۲۸۹/۲ ولكن التحقيق: أن طريقة الميرزا هذه في إثبات التنافی غیر وجهه:

- پاسخ شهید صدر به نظر نائینی:

شهید میگوید اشکال کلام میرزا این است که میرزای نائینی خلط کرده میان ترخیص وضعی و ترخیص تکوینی؛ این دو با هم خلط شده است. این اشکال از کجا ناشی شده اولاً اینکه اطلاق را غلط معنا میکند. ایشان میگوید اطلاق لحاظ عدم القید است ولی ما میگوییم عدم لحاظ القید. از همینجا انحراف شروع شده که ما اطلاق را یک امر موجبی بگیریم یا یک امر عدمی؛

\*- الترخیص الوضعی: مدلول لا اطلاق الامر و هو ترخیص فی تطبیقه طبیعه علی کل فرض حتی الفرد منهی عنه؛ و مفاد الترخیص الوضعی أنه لو تطبق علی الفرد منهی عنه كان ایجاد للطبیعه و مجزی عن الطبیعه و هو لا ینافی النهی التکلیفی. مثل صحت و حرمت؛ مثلاً میگوید این عقد صحیح است ولی حرام است و بحث کردند آیا حرمت تکلیفی مستلزم بطلان است؟ بسیاری علماء میگویند نه مستلزم ندارند. یکی وضعی است و یکی تکلیفی است. ترخیص اینجا هم ترخیص وضعی

است و ربطی به حرمت تکلیفی ندارد. اگر ترخیص تکلیفی بود مشکل ایجاد میکرد یکی میگفت انجام بده و یکی میگفت انجام نده.

\*- الترخيص التکلیفی: ليس مدلول للاطلاق الامر و انما هو استفاد من بيان خاص؛ ترخیص وضعی مدلول اطلاق امر است ولی ترخیص تکلیفی مدلول اطلاق امر نیست.

شهید صدر میگوید، مرحوم نائینی بین این دو اشتباه کرده است.

۲۸۹/۴ **إنما يستلزم عدم المانع من قبل الأمر في تطبيق**: یعنی خود امر، قید را لحاظ نکرده است ولی آیا اینکه خود شارع لحاظ کرده است عدم القید را این را ما نمیدانیم و اون دلیل خاص میخواهد.